انديشه;نفقه زوجه;بررسي فقهي وجوب، گستره و امتيازات نفقه زوجه

نفقه زوجه

بررسي فقهي وجوب، گستره و امتيازات نفقه زوجه

مجيد دهقان

يکي از مهم‌ترين حقوق مالي زوجه نفقه است. بر خلاف ساير حقوق مالي، نفقه در طول زندگي زناشويي نيز جريان دارد. در اکثر کتاب‌هاي روايي و فقهي باب مستقلي از کتاب نکاح به اين بحث پرداخته است. تغيير سبک زندگي زنان و خانواده، پيدايش هزينه‌هاي جديد و رشد آگاهي حقوقي در خانواده‌ها از ديگر مسائلي است که اهميت بحث نفقه را نشان مي‌دهد.

گر چه تنها با بحث مفصل فقهي است که مي‌توان براي پرسش‌هاي نو در باب نفقه زوجه پاسخي مستند پيدا نمود اما مروري گذرا بر مباحث مهم نفقه زوجه نيز خالي از فايده نيست. گزارش موضوع‌هايي که در کتاب‌هاي فقهي در ارتباط با نفقه زوجه مطرح شده است، اقوال مشهور در هر موضوع و ادله فقهي آن دشواري مراجعه به کتاب‌هاي متعدد فقهي را از سر راه دانش پژوهان فقه و حقوق برمي‌دارد و براي دانش‌پژوهان رشته‌هاي ديگر آشنايي اجمالي با بحث فقهي نفقه زوجه را هديه مي‌آورد.

گزارش حاضر بر پايه آراء مشهور فقهاي گرانقدر شيعه نگارش يافته و جز چند مورد، از بيان آراء غيرمشهور و مباحث اختلافي پرهيز شده است.

تعريف نفقه

نفقه واژه‌‌اي نيست که شرع آن را در معناي جديدي جعل کرده باشد؛ معناي اصطلاحي آن همان معناي عرفي و لغوي است. نفقه در لغت اسم از انفاق است و به مالي اطلاق مي‌گردد که انسان براي خود و افراد تحت سرپرستي‌اش هزينه مي‌کند.[1] در کتاب‌هاي فقهي معتبر اما تعريف اصطلاحي نفقه ديده نمي‌شود ولي با توجه به احکام آن مي‌توان نفقه زوجه را با عبارتي که در پي مي‌آيد تعريف نمود؛ هزينه‌هايي که واجب است شوهر به همسر خويش براي رفع نيازمندي‌هاي خود بر اساس شروط معيني پرداخت نمايد.

ادله وجوب نفقه زوجه

براي وجوب نفقه به آياتي از قرآن، روايات و اجماع استناد شده است. «فَانْکِحُوا ما طابَ لَکُمْ مِنَ النِّساءِ مَثْني‏ وَ ثُلاثَ وَ رُباعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَواحِدَةً أَوْ ما مَلَکَتْ أَيْمانُکُمْ ذلِکَ أَدْني‏ أَلَّا تَعُولُوا؛ و اگر در اجراي عدالت ميان دختران يتيم بيمناکيد، هر چه از زنان [ديگر] که شما را پسند افتاد، دو دو، سه سه، چهار چهار، به زني گيريد. پس اگر بيم داريد که به عدالت رفتار نکنيد، به يک [زنِ آزاد] يا به آنچه [از کنيزان‏] مالک شده‏ايد [اکتفا کنيد]. اين [خودداري‏] نزديک‌تر است تا به ستم نگراييد [و بيهوده عيال‏وار گرديد].»[2]فراز مورد استدلال « ذلِکَ أَدْني‏ أَلَّا تَعُولُوا» مي‌باشد.[3] معناي «الاّتعولوا» به نظر اين گروه از فقها «ان لايکثر من تعولون؛ تا عيالتان زياد نگردد» است. اگر نفقه همسر واجب نباشد وجهي ندارد که آيه مردان را از کثرت همسران برحذر بدارد.[4]

آيه دوم نفقه زنان باردار را بيان مي‌کند. «وَ عَلَي الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ کِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوف؛ و خوراک و پوشاک آنان [مادران‏]، به طور شايسته، بر عهده پدر است‏»[5]. فقهاي متعددي به اين آيه استناد نموده‌اند.[6] ضمير«هنّ» به مادران برمي‌گردد و مراد از «المولود له» شوهر است. بنابر آيه، نفقه همسر در دوران شيردهي بر شوهر واجب است. هنگامي که نفقه همسر در دوراني که به دليل رسيدگي به فرزند نمي‌تواند از شوهر تمکين کامل داشته باشد واجب است پس در زمان‌هاي ديگر که به راحتي مي‌تواند تمکين نمايد به طريق اولي واجب است.[7]

آيه ديگري نيز مورد استناد فقها بوده است.[8] «لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَ مَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتاهُ اللَّه‏؛ بر توانگر است که از دارايي خود هزينه کند، و هر که روزي او تنگ باشد بايد از آنچه خدا به او داده خرج کند.»[9]اين آيه شوهر را امر مي‌کند که در گشاده‌‌دستي و تنگ‌دستي نفقه همسر خويش را پرداخت نمايد.[10]گرچه آيه شريفه با توجه به آيات پيش از آنان احکام زنان مطلّقه را بيان مي‌کند امّا اگر نفقه براي مطلقه رجعيه ثابت باشد به طريق اولي براي همسر ثابت است.[11]

آيه قواميت چهارمين دليل قرآني فقها در اين بحث است.[12] «الرِّجالُ قَوَّامُونَ عَلَي النِّساءِ بِما فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلي‏ بَعْضٍ وَ بِما أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوالِهِمْ؛ مردان، سرپرست زنانند، به دليل آنکه خدا برخي از ايشان را بر برخي برتري داده و [نيز] به دليل آنکه از اموالشان خرج مي‏کنند.»[13] آيه شريفه مردان را قوّام بر زنان دانسته است و «قوّام علي الغير» به کسي اطلاق مي‌گردد که امور شخص ديگري شامل نفقه و پوشاک را به عهده داشته باشد.[14]همچنين «بما انفقوا من اموالهم» بر وجوب شرعي نفقه دلالت مي‌کند[15] نه اينکه عادت مردان زمان نزول قرآن را بيان کند.

«و عاشروهن بالمعروف»[16] آخرين آيه‌اي است که مورد استدلال فقها بوده است. معروف را آنچه بين مردم متعارف است معنا کرده‌اند.[17] مقتضاي چنين معنايي وجوب پرداخت نفقه از سوي شوهر است. اما مرحوم حکيم به اين استدلال اشکال نموده است. وي آيه را ناظر به جهات اخلاقي مي‌داند نه در مقام بيان تکليف واجب شوهر.[18]

غير از آياتي که گذشت روايت‌هاي متعددي نيز وجوب نفقه را اثبات مي‌کند[19] که به ذکر يک روايت بسنده مي‌کنيم. «سأل إسحاق بن عمّار أبا عبد اللّه عليه السلام عن حقّ المرأة علي زوجها قال يشبع بطنها و يکسو جثّتها و إن جهلت غفر لها؛ اسحاق‌بن عمار از امام جعفر صادق عليه‌السلام از حق زن بر همسرش پرسيد. حضرت فرمود: بايد شکمش را سير کند و بدنش را بپوشاند و اگر اشتباهي از او سر زد ببخشايدش.»[20] در اين حديث موثّق، امام خوراک و پوشاک را که از اصلي‌ترين مصاديق نفقه در زمان امام بوده‌اند بر شوهر واجب مي‌گرداند.

دليل اجماع را نيز فقهايي چون فخر‌المحققين،[21] شهيد ثاني[22]و سيد سند[23] به عنوان يکي از ادله وجوب نفقه ذکر نموده‌اند امّا با توجه به وجود ادله لفظي متعدد، روشن است که اين اجماع مدرکي است و دليل جداگانه‌اي به شمار نمي‌رود.

شرايط وجوب نفقه زوجه

در کتاب‌هاي فقهي دو شرط براي وجوب نفقه زوجه به چشم مي‌خورد؛ دائمي‌بودن عقد و تمکين کامل يا عدم نشوز زن. شرط اول اجماعي است[24]و بنا بر آن در عقد موقت، نفقه همسر بر شوهر واجب نيست. در مورد شرط دوم، اختلافي وجود دارد. در نظر مشهور فقها[25] نفقه با مجرد عقد واجب نمي‌شود بلکه تمکين کامل نيز براي وجوب نفقه شرط است. مراد از تمکين کامل اين است که زن هيچ‌گونه مانعي در برابر شوهر براي بهره‌برداري جنسي از او قرار ندهد و در هر زمان و مکاني براي بهره‌برداري جنسي شوهر آماده باشد. بنابراين شرط، اگر همسر تنها در زمان و مکان خاصي تمکين نمايد نفقه او بر شوهر واجب نمي‌شود.[26] اين گروه از فقها به ادله متعددي استناد نموده‌اند[27] که مهم‌ترين آن اصل برائت است. اصل، عدم وجوب نفقه بر ذمه شوهر است و تنها در حالت تمکين همسر است که بالاجماع از اين اصل خارج مي‌شويم.[28]در مقابل برخي ديگر از فقها معتقدند در ادله وجوب نفقه، وجوب متعلق بر زوجيت است نه تمکين، و زوجيت با عقد حاصل مي‌شود.[29]همچنين با وجود ادله لفظي، استدلال به اصل عملي برائت صحيح نيست. از آنجا که در صورت نشوز زن، نفقه او ساقط مي‌شود اين گروه از فقها عدم نشوز را شرط در وجوب نفقه مي‌دانند[30] با توجه به اين شرط، نفقه زوجه صغيره واجب نيست زيرا چه تمکين شرط باشد و چه عدم نشوز، صغيره قابليت تمکين يا نشوز را در خود ندارد.[31]

گستره نفقه زوجه

در کتاب‌هاي فقهي مصاديق مختلف و متعددي براي نفقه ذکر شده است. برخي غذا (طعام)، لباس و مسکن را به عنوان مصاديق نفقه ذکر کرده‌اند.[32] در پاره‌اي از فتاوا از شش مورد غذا (طعام)، خورش(إدام)، خادم، لباس، وسايل تنظيف و مسکن نام برده شده است[33] و در برخي ديگر هشت مصداق براي آن ذکر شده است، غذا، خورش، نفقه خادم، لباس، وسايل تنظيف، مسکن، فراش و وسايل پخت غذا و نوشيدن.[34] طبيعي است که اين سؤال مطرح شود که ملاک نفقه واجب چيست؟ آيا شارع نفقه را در مصاديق خاصي محدود نموده است يا اينکه آن را به نظر عرف موکول نموده؟ مي‌توان آراء فقها در اين مورد را به دو دسته تقسيم کرد؛ محدود بودن شرعي نفقه و عرفي بودن آن.

در برخي ادله و پاره‌اي فتاوا، مصداق‌هاي محدودي از نفقه به چشم مي‌خورد. مصاديقي که در آيات و روايات ذکر شده تنها خوراک، پوشاک و مسکن است. برخي روايات حتي، نص در انحصار نفقه است.[35]در دوران انتقال فقه روايي به فقه فتوايي[36] نيز تنها همين سه مصداق در کلام فقها ديده مي‌شود.[37] شيخ مفيد در اين دوره، تصريح به منحصر‌بودن نفقه در اين سه مورد مي‌کند.[38] در دوره‌هاي بعد محقق حلّي (‌626ه‌ق) در مختصر[39] و علامه حلي (726 ه ق) در کتاب تبصره خويش تنها همين سه مصداق را ذکر نموده‌اند.[40] شيخ حر عاملي (1104ه ق) نيز در عنواني که براي احاديث اين قسمت ذکر مي‌کند به ذکر مصاديق سه‌گانه بسنده مي‌نمايد.[41] بعد از آن ميرزاي قمي(1232ه ق) و صاحب جواهر(1266ه ق) به حصر ادله در سه مورد مذکور اشاره مي‌کنند گرچه سرانجام گرايش به عرفي بودن نفقه پيدا مي‌کنند.[42] در بين فقهاي معاصر، آيت‌الله اراکي، نفقه را منحصر در خوراک و پوشاک و وسايل بهداشتي مي‌داند.[43] آيت‌الله سيد محمد سعيد حکيم نيز تنها خوراک و پوشاک را مصاديق نفقه مي‌داند. وي هزينه بهداشت و آرايش را نيز بر عهده شوهر مي‌داند اگر که وي اين دو را از همسرش درخواست کرده باشد.[44]

از شيخ طوسي به بعد، مشهور فقهاي شيعه مصاديق نفقه را عرفي مي‌دانند. ايشان حتي هنگامي که از مصاديق خاصي در کتاب‌هاي خود نام مي‌برند در واقع ديدگاه عرف در زمان خود را بيان مي‌کنند.[45] به نظر اين گروه از فقها، ادله قرآني وجوب نفقه مطلق است و مصاديق خاصي را بيان نکرده است. روايات نيز در نظر ايشان در مقام بيان حد شرعي نفقه نبوده است. بنابراين، دليل شرعي، مطلق است و هنگام اطلاق دليل شرعي، براي تشخيص مصاديق و محدوده نفقه لازم است که به عرف مراجعه نمود.[46]

ضابطه‌اي که فقها براي نفقه عرفي بيان نموده‌اند پرداخت هر چيزي است که همسر با توجه به شأن خود به آن نياز دارد. شأن همسر با توجه به عادت زنان مثل او در شهر محل سکونت مشخص مي‌گردد.[47]در کنار اين ضابطه مصاديقي نيز در کتاب‌هاي فقهي ديده مي‌شود. خوراک، پوشاک، مسکن، نفقه خادم، وسايل بهداشتي، وسايل آرايشي، هزينه دارو و درمان و اجرت حمام از مهم‌ترين اين مصاديق است.

در مورد مقدار و کيفيت هر کدام از اين مصاديق، در کتاب‌هاي فقهي بحث مفصلي صورت گرفته است. مراد از خوراک، غذاي متداول بين اکثر مردم است. به جز شيخ طوسي، ساير فقها ملاک در مقدار طعام را کفايت دانسته‌اند.[48] هر مقداري که نياز زن را عرفاً برطرف نمايد بر مرد واجب است که پرداخت نمايد. تنها شيخ طوسي است که در کتاب خلاف مقدار آن را يک مُد[49] و در مبسوط براي فقير، متوسط و توانگر به ترتيب يک، يک و نيم و دو مد[50] تعيين نموده است. در مورد مسکن، برخي از فقها اين حق را براي زوجه قرار داده‌اند که در منزل جداگانه‌اي زندگي کند.[51] اما عده‌اي ديگر تنها در صورتي چنين حقي را براي زوجه قائل شده‌اند که شأن وي سکونت در منزل جداگانه را بطلبد[52] يا با سکونت در منزلي که ديگري هم در آن سکونت دارد وي اذيت گردد.[53] نفقه خادم در صورتي بر شوهر واجب است که شأن زن به گونه‌اي باشد که کارهاي او را خادم انجام مي‌دهد. در غير اين صورت نفقه خادم بر شوهر واجب نيست.[54] فقها از وسايل آرايشي با عنوان جداگانه‌اي بحث نکرده‌اند اما از بحثي که در دو مورد سرمه و عطر نموده‌اند مي‌توان نظر ايشان را در مورد وسايل آرايشي به دست آورد. مشهور فقها سرمه و عطر را از مصاديق نفقه نمي‌دانند. استفاده از اين دو در نظر ايشان عادتاً ضروري نيست.[55] برخي ديگر اما اطلاق ادله نفقه را شامل وسايل آرايشي نيز مي‌دانند.[56] در مورد هزينه دارو و درمان، مي‌توان آراء فقهاي معاصر را به دو دسته تقسيم کرد. گروه اول بين بيماري‌هاي رايج و بيماري‌هاي صعب العلاجي که ابتلاي به آن نادر ‌است فرق گذاشته، هزينه دارو و درمان همسر را در بيماري نوع اول به عهده شوهر دانسته و هزينه‌هاي نوع دوم را بر او واجب نمي‌دانند. سيد ابوالحسن اصفهاني[57] (1360ه ق )آيت الله گلپايگاني[58] و امام خميني (ره) [59] از اين گروه مي‌باشند. اما آيت‌الله فاضل بعيد نمي‌داند که هزينه هر دو نوع بيماري بر عهده شوهر باشد.[60] آيت الله سيستاني نيز با پذيرفتن اين نظر هزينه درمان را به اين شرط بر عهده شوهر مي‌داند که حرجي بر او نباشد.[61]مشهور فقها، در صورتي که مقدمات استحمام در منزل فراهم نباشد اجرت حمام را بر شوهر لازم مي‌دانند.[62] در نظر مشهور فقها، مقدار واجب در هر کدام از مصاديق نفقه، به اندازه‌اي است که نيازهاي عرفي زوجه را برطرف نمايد.[63]

ملاک در وجوب نفقه

در نظر مشهور فقها، ملاک در وجوب نفقه شأن زوجه است نه شأن زوج و تمکّن مالي او.[64] اگر شوهر نتوانست نفقه‌اي که همسرش با توجه به شأنش طلب مي‌کند پرداخت نمايد، به صورت دين بر عهده شوهر استقرار مي‌يابد.[65] لازم به ذکر‌است که منظور از شأن، عادت امثال زن‌ است نه عادت خود زن.[66] همچنين هر آنچه عادت امثال زن آن را بطلبد بر عهده شوهر واجب‌ است چه زن خود پايين‌تر از آن حد طلب کند و چه بالاتر از آن.[67] فقها در شأن زن، حال او قبل از ازدواج و در منزل پدري را ملاک مي‌دانند و شأني را که ممکن‌است زن با ورود به خانه شوهر به دست آورد معتبر نمي‌‌شمارند.[68] اگر محل سکونت زن بعد از زندگي با شوهر غير از محل سکونت خانواده زن باشد و در محل جديد شأن زنان از شأن او در خانه پدريش پايين‌تر باشد ملاک در وجوب نفقه شأن زنان در محل سکونت جديد است.[69] اگر زني قبل از ازدواج با توجه به تحصيلات و شغل و مانند آن، شأني فراتر از خانواده‌اش به دست آورد به نظر مي‌رسد شأن جديد او ملاک قرار گيرد. تنها دليل اين بحث عرف است و با توجه به اين که در جامعه هم عصرِ اکثر فقها، براي دختران پيش از ازدواج حالتي غير از خانه پدري تصور نمي‌شده است اين احتمال مي‌رود که قيد خانه پدري در کلام فقها قيد غالبي باشد نه احترازي.

لازم است به مسئله ديگري نيز اشاره شود. اگر زوج فقير و ناتوان از پرداخت نفقه همسر خود باشد نظر مشهور فقهاي شيعه اين است که زوجه حق فسخ نکاح ندارد.[70]

کيفيت استحقاق نفقه

موضوع ديگري که فقها در ارتباط با بحث نفقه به آن پرداخته‌اند اين ‌است که آيا زوجه مالک نفقه‌است يا فقط حق استفاده از آن را دارد، بدون اينکه مالک آن شود؟ به بيان ديگر آيا زوجه استحقاق نفقه بر وجه تمليک دارد يا بر وجه امتاع؟

با توجه به تفاوت مصاديق نفقه، آراء فقها نيز متفاوت است. در مورد مصاديقي از نفقه که انتفاع از آنها متوقف ‌است بر اتلاف اصل آن و به عبارت ديگر انتفاع از آن همان اتلاف آن ‌است، فقها اتفاق دارند که زوجه مالک نفقه است. مانند طعام و وسايل بهداشتي مثل صابون و روغن.[71] در مورد مصاديقي که عين آنها با انتفاع از بين نمي‌رود، مانند مسکن و خادم، فقها اتفاق دارند که استحقاق زوجه بر وجه امتاع ‌است نه تمليک.[72] اما در مورد مصاديقي که اگر چه انتفاع از آن متوقف بر اتلاف آن نيست ولي به مرور زمان عين آن از بين مي‌رود، مانند لباس، فرش، وسايل تنظيف و وسايل پخت و پز[73] مشهور فقها قول امتاع را اختيار کرده‌اند. [74]

امتياز نفقه زوجه بر نفقه اقارب

علاوه بر نفقه زوجه، نفقه خويشان - شامل والدين و فرزندان- نيز بر انسان واجب است اما نفقه زوجه نسبت به نفقه خويشان امتيازهايي دارد. اول اينکه نفقه زوجه، مقدّم بر نفقه خويشان است.[75] نفقه زوجه از باب معاوضه و در مقابل استمتاع بر مرد واجب شده است در حالي‌که نفقه خويشان از باب مواسات واجب شده است و اداي عوض اولي از مواسات است.[76] دومين ويژگي اين است که نفقه زوجه اگر پرداخت نشده باشد تبديل به دين مي‌گردد و بايد قضا شود در صورتي که نفقه خويشان قضا ندارد.[77] سوم اينکه وجوب نفقه خويشان مشروط به فقر آنان و عجز از اکتساب است [78] در حاليکه نفقه زوجه با وجود غناي او نيز واجب است.[79]

نفقه زوجه پس از انحلال نکاح و فوت شوهر

آخرين موضوع اين گزارش احکام نفقه در صورت طلاق رجعي، بائن، فسخ نکاح و وفات زوج است. طلاق اگر به صورت رجعي باشد پرداخت نفقه زن تا پايان عده همچنان بر شوهر واجب است[80] و اگر بائن باشد وجوب نفقه ساقط مي‌شود.[81] در هر دو صورت اگر زوجه باردار باشد پرداخت نفقه تا زمان زايمان واجب است.[82] اگر نکاح به سبب فسخ زائل شد نيز وجوب نفقه ساقط مي‌شود.[83] در قول مشهور وجوب نفقه در مورد زني که شوهرش فوت نموده است نيز ساقط مي‌شود.[84] برخي از فقهاي متقدم نفقه او را از سهم‌‌الارث جنين واجب دانسته‌اند.[85]

--------------------------------------------------------------------------------

[1] . العين، 5، 77

[2] - النساء، 3. ترجمه آيات از استاد فولادوند است.

[3] - المبسوط، 6، 2؛ ايضاح الفوائد، 3، 267؛ جواهر الکلام، 31، 302

[4] - المبسوط، 6، 2

[5] - بقره ، 233

[6] - المبسوط، 6، 2؛ ايضاح الفوائد، 3، 266؛ مسالک الافهام، 8، 438؛ جواهر الکلام، 31، 302؛ النکاح(للفاضل)، 568

[7] - ايضاح الفوائد، 3، 266

[8] - ايضاح الفوائد، 3، 266؛ مسالک الافهام، 8، 438؛ الحدائق الناضره، 25، 97؛ رياض المسائل، 12، 163؛ جواهر الکلام، 31، 302؛ النکاح(للفاضل)، 568

[9] - طلاق، 7

[10] - ايضاح الفوائد، 3، 266

[11] - نفقات الزوجه في التشريع الاسلامي، 26

[12] - المبسوط، 6، 2؛ ايضاح الفوائد، 3، 266؛ الحدائق الناضره، 25، 97؛ رياض المسائل، 12، 163؛ جواهر الکلام، 31، 302؛ النکاح(للفاضل)، 568

[13] - النساء، 34

[14] - المبسوط، 6، 2

[15] - ايضاح الفوائد، 3، 266

[16] - نساء، 19

[17] - المبسوط، ج6، ص 4, السرائر، 2، 655

[18] - مسنمسک العروة، 12، 302

[19] - وسائل‏الشيعة، ج 21، ص509

[20] - من‏لايحضره‏الفقيه ج 3، کتاب النکاح، باب حقّ المرأة علي الزّوج، ص440

[21] - إيضاح الفوائد في شرح مشکلات القواعد، ج‏3، ص267

[22] - مسالک الافهام، 8، 438

[23] نهاية المرام، 1، 472

[24] - جواهر الکلام، 31، 303

[25] - المبسوط، 6، 11؛ شرائع الاسلام، 2، 291؛ اللمعة الدمشقية، 189؛ رياض المسائل، 12، 164

[26] - شرائع الاسلام، 2، 291

[27] - مسالک الافهام، 8، 441؛ رياض المسائل، 12، 65

[28] - مسالک الافهام، 8، 441، نهاية المرام، 1، 474

[29] - مسالک الافهام، 8، 440؛ حدائق الناضرة، 25، 99

[30] - حدائق الناضرة، 25، 102؛ مسالک الافهام، 8، 441

[31] - شرائع الإسلام، ‏2، 292؛ مسالک الافهام، 8، 443

[32] - أحکام النساء، ص37، المراسم العلوية، ص154، المختصر النافع، ج‏1، ص195؛ نهاية المرام، ج‏1، ص486؛ رسالتان في الارث و نفقة الزوجة(للاراکي)، ص287

[33] - إرشاد الأذهان، ج‏2، ص34؛ تحرير الأحکام، ج‏2، ص47، کفاية الأحکام، ج‏2، ص301-300

[34] - قواعد الأحکام، ج‏3، ص104، إيضاح الفوائد، ج‏3، ص269

[35] - در بررسي روايات به اين دسته از روايات اشاره شد.

[36] - دوران انتقال از فقه روايي به فقه فتوايي به دوره‌اي از فقه شيعه اشاره مي‌کند که گرچه براي بيان احکام خود روايت ذکر نمي‌گرديد ولي الفاظي که در بيان حکم به کار مي‌رفت از محدوده الفاظ روايت کمتر تجاوز مي‌کرد. اين دوران تقريباً با فقيه شيخ صدوق شروع و تا نهايه شيخ طوسي ادامه مي‌يابد.

[37] - أحکام النساء، ص37، المراسم العلوية، ص154

[38] - و« للمرأة علي زوجها النفقة بالمعروف و الکسوة و السکني و ليس لها الاقتراح بأکثر من ذلک.» أحکام النساء، ص37

[39] - المختصر النافع، ج‏1، ص195

[40] - تبصرة المتعلمين، ص144 برخلاف کتاب هاي ارشاد الاذهان، قواعد و تحريرکه شش و هشت مصداق بر شمرده اند. إرشاد الأذهان، ج‏2، ص34؛ تحرير الأحکام، ج‏2، ص47؛ قواعد الأحکام، ج‏3، ص104

[41] - وسائل الشيعه، ج 21، تتمه کتاب النکاح، ابواب النفقات، باب 1، ح 3، ص 509

[42] - جامع الشتات، ج‏4، ص488؛ جواهر الکلام، ج‏31، ص336

[43] - رسالتان في الارث و نفقة الزوجة، ص287

[44] - مصباح المنهاج، ج‏3، ص566

[45] - جواهر الکلام، ج‏31، ص331. همچنين ر.ک: مسالک الأفهام، ج‏8، ص456

[46] - المهذب، ج‏2، ص342؛ مسالک الأفهام، ج‏8، ص456؛ کفاية الأحکام، ج‏2، ص301-302؛ کشف اللثام، ج‏7، ص567، تحرير الوسيلة، ج‏2، ص316

[47] - شرائع الإسلام، ج‏2، ص293؛ اللمعة الدمشقية، ص189؛ الروضة البهية، ج‏5، ص469؛ مسالک الأفهام، ج‏8، ص455؛ کفاية الأحکام، ج‏2، ص301؛ جواهر الکلام، ج‏31، ص331؛ تحرير الوسيلة، ج‏2، ص315

[48] - السرائر، ج‏2، ص655؛ مسالک الأفهام، ج‏8، ص457

[49] - الخلاف، ج‏5، ص111

[50] - المبسوط ، ج‏6، ص6

[51] - تلخيص المرام، ص207؛ قواعد الأحکام، ج‏3، ص107؛ اللمعة الدمشقية، ص190؛ إرشاد الأذهان، ج‏2، ص35؛ الروضة البهية، ج‏5، ص470؛ کشف اللثام، ج‏7، ص576-563؛ تحرير الوسيلة، ج‏2، ص316

[52] - کفاية الأحکام، ج‏2، ص302؛ جواهر الکلام، ج‏31، ص340؛ مجمع المسائل (للگلپايگاني)، ج‏2، ص181؛ منهاج الصالحين (للسيستاني)، ج‏3، ص126

[53] - جواهر الکلام، ج‏31، ص340

[54] - المبسوط ، ج‏6، ص3؛ المهذب، ج‏2، ص343؛ إرشاد الأذهان، ج‏2، ص34؛ تحرير الأحکام، ج‏2، ص47؛ إيضاح الفوائد، ج‏3، ص269؛ اللمعة الدمشقية، ص190؛ مسالک الأفهام، ج‏8، ص456

[55] - کشف اللثام، ج‏7، ص567

[56] - التنقيح الرائع لمختصر الشرائع، ج‏3، ص288؛ هم چنين ن. ک: الوسيلة إلي نيل الفضيلة، ص285؛ منهاج الصالحين (للسيد محمد سعيد)، ج‏3، ص66-65؛ همچنين فقهايي را که ملاک را احتياج زن مي‌دانستند و آن را در امور خاصي مصاديق خاصي محصور نمي کردند مي‌توان از اين گروه شمرد. مسالک الأفهام، ج‏8، ص456؛ هم چنين ن.ک: تحرير الوسيلة، ج‏2، ص315

[57] - وسيلة النجاة (مع حواشي الگلپايگاني)، ج‏3، ص227

[58] - وسيلة النجاة (مع حواشي الگلپايگاني)، ج‏3، ص227

[59] - تحرير الوسيلة، ج‏2، ص317-316

[60] - النکاح (للفاضل)، ص590-591

[61] - منهاج الصالحين (للسيستاني)، ج‏3، ص126

[62] - إرشاد الأذهان، ج‏2، ص35؛ تحرير الأحکام، ج‏2، ص48؛ قواعد الأحکام، ج‏3، ص105؛ الروضة البهية، ج‏5، ص470؛ وسيلة النجاة (مع حواشي الگلپايگاني)، ج‏3، ص227؛ تحرير الوسيلة، ج‏2، ص316؛ منهاج الصالحين (للخوئي)، ج‏2، ص287

[63] - کفاية الأحکام، ج‏2، ص301؛ الحدائق الناضرة، ج‏25، ص119؛ جواهر الکلام، ج‏31، ص330؛ النکاح (للفاضل)، ص588

[64] - غاية المرام في شرح شرائع الإسلام، ج‏1، ص273؛ جامع الشتات، ج‏4، ص487؛ الحدائق الناضرة، ج‏25، ص122

[65] - التنقيح الرائع لمختصر الشرائع، ج‏3، ص287؛ غاية المرام في شرح شرائع الإسلام، ج‏1، ص273؛ جامع الشتات، ج‏4، ص488؛ وسيلة النجاة (مع حواشي الگلپايگاني)، ج‏3، ص227؛ تحرير الوسيلة، ج‏2، ص317؛ النکاح (للفاضل)، ص594

[66] - مسالک الأفهام، ج‏8، ص460

[67] - المبسوط ، ج‏6، ص3؛ تحرير الأحکام، ج‏2، ص47؛ جواهر الکلام، ج‏31، ص337

[68] - الروضة البهية،ج‏5، ص470؛ مسالک الأفهام، ج‏8، ص457؛ جواهر الکلام، ج‏31، ص337

[69] - الروضة البهية، ج‏5، ص470

[70] - ايضاح الفوائد، 3، 280؛ مسالک الافهام، 7، 407

[71] - تحرير الأحکام، ج‏2، ص47؛ قواعد الأحکام، ج‏3، ص105؛ کفاية الأحکام، ج‏2، ص302؛ رياض المسائل، ج‏12، ص186؛‌ منهاج الصالحين (المحشي للحکيم)، ج‏2، ص306

[72] - الروضة البهية، ج‏5، ص473

[73] - مسالک الأفهام، ج‏8، ص465

[74] - الروضة البهية، ج‏5، ص472؛

[75] - کشف الرموز، 2، 203؛ مختصر النافع، 1، 195؛ تحرير الاحکام، 4، 35، اللمعة الدمشقية، 190؛ جواهر الکلام، 31، 365

[76] - مسالک الافهام، 8، 482

[77] - کشف الرموز، 2، 203؛ مختصر النافع، 1، 195؛ اللمعة الدمشقية، 190؛ جواهر الکلام، 31، 365

[78] - کشف الرموز، 2، 204؛ مختصر النافع، 1، 195؛ اللمعة الدمشقية، 190

[79] - رياض المسائل، 12، 178؛ جواهر الکلام، 31، 365

[80] - شرائع الاسلام، 2، 292؛ المختصر النافع، 1؛ المختصر النافع، 1، 195؛ قواعد الاحکام، 3، 51؛ مسالک الافهام، 9، 320

[81] - شرائع الاسلام، 2، 292؛ المختصر النافع، 1، 195؛ کفاية الاحکام، 2، 299؛ جواهر الکلام، 31، 320

[82] - کفاية الاحکام، 2، 299؛ حدائق الناضرة، 25، 111

[83] - شرائع الاسلام، 2، 292؛ المختصر النافع، 1، 195؛ مسالک الافهام، 9، 320؛ جواهر الکلام، 31، 320

[84] - جواهر الکلام، 1، 325

[85] - کشف اللثام، 8، 162